



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۸۱	تاریخ	۱۴۰۱/۰۲/۲۷
عنوان اصلی درس	نماز مسافر				
عنوان دوم	شرائط وجوب تقصیر				
شرط اول	قطع مسافة				
شرط دوم	قصد مسافة				
شرط سوم	استمرار قصد				
شرط چهارم	سفر، سفر معصیت نباشد				
فروع مسأله					

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين

بحث ما در فرع نهم از فروع سفر معصیت است. فرع نهم درباره حکم صوم و صلاة در سفر است آنجا که نذر کرده نماز را تمام بخواند نذر کرده است که روزه بگیرد و در همان روزی که نذر صلاة تمام و نذر روزه کرده، اقدام به سفر نماید؛ سوال می شود که آیا این سفر، سفر معصیت است و اگر سفر معصیت است حکم صلاة و صومش چیست؟

صاحب عروه رحمته الله می فرماید:

«مسألة ۳۹: إذا نذر أن يتم الصلاة في يوم معين أو يصوم يوماً معيناً وجب عليه الإقامة، ولو سافر وجب عليه القصر على ما مر من أن السفر المستلزم لترك واجب لا يوجب التمام، إلا إذا كان بقصد التوصل إلى ترك الواجب، والأحوط الجمع؛»

نذر کرده که نیمه شعبان همیشه روزه بگیرد و نماز را در آن روز کامل بخواند باید در آن روز سفر نرود تا بتواند نماز را تمام و روزه بگیرد.

مبنای ایشان را قبلاً بحث کرده ایم که اگر سفری موجب ترک واجب شد مثل اینکه اگر کسی مدیون است و می داند که اگر به سفر برود نمی تواند ادای دین بکند، اگر به سفر رفت، حکمش چیست؟

ایشان می فرماید حکم این سفر این نیست که باید نماز را تمام بخواند مگر اینکه با قصد فرار از ادای دینی سفر را انجام دهد که در این صورت سفر حرام می شود. پس نتیجه اینکه استلزام ترک واجب، اینگونه نیست که حتماً سفرش سفر حرام باشد.

ما در آنجا چیز دیگری گفتیم، گفتیم که اگر این سفری که می‌رود سفری است که نمی‌تواند ادای دین بکند این سفر، سفر معصیت است چه به قصد فرار از ادای دین باشد یا خیر، چون الاضطرار بالاختیار لا ینافی الاختیار.

ما برای تبیین جوانب مسأله باید توضیح بیشتری بدهیم.

اولاً شکی نیست که اگر این نذر صوم یا نذر صلاة تمام در یک روزی انجام شده باشد که روزه برای او حرام بوده باشد یا سفر برای او واجب بوده باشد، یعنی فرض کنید که شخص نذر کرده است در روز عرفات نماز را تمام بخواند، روز عرفاتی که ناچار است در حال سفر باشد و از مکه خارج شود و به عرفات برسد، چنین نذری اصلاً محقق نمی‌شود و باطل است؛ مثل نذر صوم در عید فطر. پس نذر یوم معینی که مشروعیت ندارد اساساً باطل است. چنین نذری خارج از بحث ماست. بحث در آنجایی است که نذر منعقد شده است مثلاً نذر کرده است که هر شنبه اول ماه را روزه بگیرد و نمازش را تمام بخواند، اما اتفاقاً در یکی از این روزها سفری پیش می‌آید، تکلیف چیست؟

اینجا چند فرض وجود دارد، قبل از بیان فروض به قاعده‌ای از مسأله اشاره می‌کنیم که این قاعده را قبلاً اشاره کرده‌ایم. اینکه سفری مقارن با ترک واجب یا عمل حرام شود، این تقارن موجب حرمت سفر نمی‌شود. مثل اینکه هر موقع که این شخص به سفر می‌رود با سلطان جائر همسفر می‌شود یا با همسفرانی مواجه می‌شود که اهل غیبت و تهمت‌اند. و حتی اگر خود شخص هم مرتکب غیبت شود، خود سفر حرام نیست. مگر اینکه غایت سفر، حرام باشد. مثل اینکه سفر می‌کند تا مرتکب زنا شود، که در اینصورت سفر متصرف به حرام می‌شود.

گاهی سفر، سفری است که مستلزم ترک واجب و ارتکاب حرام است نه به معنای اقتران، بلکه استلزام یعنی لاینفک است به طوری که این سفر با آن لازم همیشه در نزد عرف قابل تفکیک نیست به طوری که عرف خود این سفر را سفر معصیت می‌شمارد مثل این که سفری مستلزم عبور شخص از یک زمین غصبی یا استفاده از یک وسیله غصبی باشد، عنوان سفر با عنوان غصب چون قابل انفکاک نیست پس این سفرها سفر حرام تلقی می‌شود.

فرض دیگر اینکه در همین سفری که ممکن است با معصیت همراه باشد، ترک لازم هم برای او ممکن باشد، مثلاً هنگامی که قافله به زمین غصبی می‌رسند این شخص می‌تواند از قافله جدا شود و از طریق دیگری به مسیر ادامه بدهد، در این صورت هم، سفر معصیت به حساب نمی‌آید و نسبت به زمین غصبی واجب الاجتناب خواهد بود. و اگر آن لازم قابل اجتناب نبود گفتیم که این جا گرچه ارتکاب آن معصیت اختیاری هم نباشد اما چون الاضطرار بالاختیار لا ینافی الاختیار این سفر می‌شود سفر معصیت حالا این از قواعد مسأله.

اما تطبیق این قواعد بر مسأله مانحن فیه:

کسی که نذر می‌کند در روز معینی نماز کامل بخواند یا روزه بگیرد که اتفاقاً آن روز سفری برایش پیش می‌آید، قاعده اولی این است که به چنین سفری نرود چرا که این سفر مستلزم ترک واجب می‌شود. حالا اگر با وجود عدم جواز، به سفر رفت این سفر مستلزم ترک واجب خواهد بود.

در اینجا چند مسأله وجود دارد، یکی این که این صوم و صلاتش چگونه می‌شود؟ معلوم است که صومش صحیح نیست با اینکه نذر کرده، و چون صومش صحیح نیست بنابراین حث نذر بر او صدق می‌کند با اینکه صوم را انجام داده است و این صوم، وفای به نذر نیست. چون وفای به نذر، با صوم صحیح محقق می‌شود. بله اگر ماه رمضان بود و این سفر به همراه صوم محقق شد، (نظر ما این است که صوم صحیح است و قضا ندارد چون روزه ماه رمضان امر دارد)

آیا این امر که نسبت به صوم رمضان تعلق گرفته به صوم نذری هم تعلق می‌گیرد حتی با وجود معصیت که در نتیجه، وفای به نذر محقق شود یا خیر؟ اگر گفتیم که این صوم صحیح است، بله یصدق علیه وفاء للنذر، پس حنث نذر نکرده است. اگر بگوییم نه چون این صوم در سفر معصیت است باینکه صوم برای او واجب است ولی این صوم، صوم امساک است یعنی صورت صوم است نه واقع صوم. یعنی امساک بر او واجب است نه خود صومی که یتقرب الی الله. و چون متعلق نذر باید مقرب الی الله باشد، پس وفاء به نذر محقق نشده است. حالا این صومی که در سفر معصیت اتفاق افتاده (چون صومی که واجب بود در وطن بگیرد را عمداً ترک کرده است) دیگر مصداق واجب نیست.

اما نظر ما این است که ادله‌ای که حاکی از وجوب صوم در سفر معصیت است اینجا را یعنی صوم نذری را هم می‌گیرد، و چون در حال معصیت است هم صومش صحیح است و هم نذرش بلکه در صورت سفر عمدی، خود صوم واجب می‌شد و دلیل وفای به نذر شامل اینجا هم می‌شود چرا که دلیل وفای به نذر حاکی از ترخیص و ارفاق نیست و این صوم از این بابت که معصیت است صحیح است و چون صحیح است نذر وفا شده است. بله اگر از ابتدا نذری کند که روزه در آن روز جایز نباشد (مثل عید فطر) در این موارد از ابتدا نذری منعقد نشده است، چون این نذر مقرب الی الله نیست.

ممکن است گفته شود که سفر در ماه رمضان مکروه است و نذر به عمل مکروه تعلق نمی‌گیرد، جواب این است که نذر به خصوص ماه مبارک نبوده که مفاد نذر منعقد نشود، بلکه بصورت کلی بوده و به همین سبب کلی رجحان داشته و لذا نذر منعقد می‌شود.

نکته: اگر شخصی مثلاً نذر کرده که روزهای پنجشنبه روزه بگیرد و اتفاقاً در یکی از روزهای پنجشنبه مضطر به سفر شد، در اینجا سفرش معصیت نیست و چون سفرش معصیت نیست روزه اش باطل است. و اضطرار کشف می‌کند که نذر مربوط به این روز از اساس باطل بوده است و این شخص نمی‌دانسته که روزه این روز باطل است هر چند برای باقی ایام روزه و نذر صحیح است.

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ